۱۸۰

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

هم تبریک عید نوروز و هم تبریک تولّد حضرت فاطمه علیهاالسلام گو اینکه حالا، (نمی‌توانم بگویم «حالا» رسم است به‌هرجهت) که عزاها جار و جنجال دارد و دسته و از این عَلَم‌ها که اینها بگردانند و مثلاً شهر به حرکت می‌آید ولی در تولّد، نه! همه یادشان می‌رود که اصلاً حضرت فاطمه‌ای هم بودند و حال آنکه اگر فکر کنیم ما شیعه‌ها، (شیعه‌ها بطورکلّی ولی می‌گویم برای اینکه آن شیعه‌هایی که ما را به تشیّع قبول ندارند، آنها هم همینطور) معتقدیم که یک لحظه جهان بی‌امام نخواهد بود. پس وقتی یک امامی رحلت فرمود و آن جانِ امام، امامتش، آن جانی که خداوند به او داده بود، از بدن پرواز کرد، او را ما عزا می‌گیریم، به جا هم هست. کسانی که در درگاه علی علیه‌السلام بودند، وقتی امروز صبح بیایند بگویند علی مریض است، خوابیده، چیست؟ ضربت خورده و بعد هم که فوت کرد. حالا پس ما چه کار کنیم؟ هیچی! امام حسن هم عین علی است، در بسته نشد. همان روحیّه‌ای و همان خواصّی را که خداوند به علی علیه‌السلام داد، حالا علی را نزد خودش برده، به حسن داد، به حسین داد، به بعدی داد. بنابراین از درگاه شیعیان هیچ‌وقت کسی کم نمی‌شود، هیچ امامی کم نمی‌شود، همه هستند، همه حیات دارند.

آیه‌ای هم هست که وَلاتَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یرْزَقُونَ (سوره آل‌عمران، آیه ۱۶۹) خیال نکنید آنهایی که در راه خدا کشته می‌شوند، دیگر مرده‌اند، نه! بلکه آنها هم زنده‌اند و در نزد خداوند روزی می‌گیرند، سهم‌شان را می‌گیرند، هستند. این است که ما همیشه چهارده معصوم داشتیم، یکی از معصومین همیشه بوده که الان هم معصوم است، چهاردهم و امام دوازدهم، حیات دارند و خودشان هم فرمودند که من جوامع اسلامی را اداره می‌کنم. حالا به چه نحو اداره می‌کنند؟ دیگر به ما فضولی نیامده، خودشان اداره می‌کنند. همیشه سایه‌ی یک امام، بالای سر ما هست امّا حالا که می‌گوییم: اشْفَعی لَنا عِنْدَالله یا اشْفَعْ لَنا عِنْدَالله نزد خدا از ما شفاعت کن، دیروز این را نمی‌گفتیم چون حضرت فاطمه که به دنیا نیامده بود، امروز می‌گوییم، چرا؟ چون دیروز به دنیا آمد. ما از وجود معصومینی که در ظاهر هستند، مثل همه‌ی ائمّه‌ی ما، بر وجود آنها یکی اضافه شده.

حضرت فاطمه تا دیروز نبود، امروز هست و چون به اعتقادِ ما معصوم است یعنی از اوّل خلقت تحتِ توجّهات الهی است، این است که حقّاً بایستی جشن‌ها را یعنی تولّدها را بیشتر توجّه کنیم و بپذیریم و حال آنکه به‌عکس است. ما به دلِ خودمان باید نگاه کنیم، همه‌ی آن چهارده معصوم که می‌گوییم به استثنای آخری که حیات دارد ولی در دسترس ما نیست ولی حیات دارد، همه‌ی اینها رفتند، ما به آنها دسترسی نداریم. این است که به نظر ما تولّد ائمّه بیشتر مورد نظر است تا وفات‌شان. وفات‌شان یک مرحله‌ای از حیاتِ ابدی‌شان است که عبارت باشد از تولّد و تربیت و بعد هم رحلت و در آن صورت دسترسیِ ما دیگر بعد به آن شخص نیست حتّی به امام غایب هم اخباری است که فرمودند در غیبت من هر کسی ادّعا کند، از جانب من نیست کذّاب است. به‌همین‌جهت هم در طیّ تاریخ می‌بینیم تعداد زیادی مدّعیان جانشینی امام زمان بودند ولی هیچ کدام نماندند و اثری از آنان دیده نشده است.

امّا پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در محیط عرب به دنیا آمد. در آن محیط عرب که هنوز هم همانطور است و این رسم به ما هم رسیده و تقریباً رعایت می‌شود، این است که می‌گویند هر کسی، جانشینش پسر بزرگش است. می‌گفتند علی علیه‌السلام جانشینش کیست؟ پسر بزرگش ولی پیغمبر که پسر نداشت و روی عرفِ محلّی و اینکه فرمودند به عرف توجّه کنید در واقع پیغمبر ناراحت بود از اینکه پسری ندارد و به همین طریق وقتی فرزند کوچکِ حضرت، دو، سه ساله بود، مرحوم شد، حضرت خیلی متأثّر شدند. البتّه تأثّرشان از جنبه‌ی بشری بود، نه از لحاظ معنا. پیغمبر قبل از بعثت دو فرزند، دو دختر داشتند. امیدواری بود که سوّمی پسر باشد ولی خداوند مصلحت دیگری داشت و حتّی یقیناً حضرت پیغمبر یک پسری را درخواست می‌کردند ولی معذلک نشد، نه اینکه خدا با پیغمبرش قهر کرده و خواستِ او را انجام نداده، نه! پیغمبر به خواسته‌ی خدا تسلیم شد یعنی تسلیم نشود چه بکند؟ تسلیم شد، این بار هم دختر در آمد. تمام آن فرزندان سابقِ پیغمبر دختر بودند، این هم دختر بود منتها تفاوت این بود که آنها در دورانِ آزاد بودنِ پیغمبر بودند؛ آزاد بودن از قید دستور رهبریِ پیغمبر. این است که حضرت فاطمه نزد پدر خیلی محبّت و علاقه‌مندی نشان می‌داد. خود فاطمه در مقابل امر پدر تسلیم بود، پدر هم راجع به فاطمه فرمود: فاطمه پاره‌ی جگر من است. کنایه از این است که هر چه من می‌خواهم، او هم می‌خواهد، عین هم هستند. این انس و علاقه‌ی طرفینی بود، علاقه‌ی پیغمبر هم به فاطمه از نوع علاقه‌ی الهی بود، البتّه هر علاقه‌ی معنوی که خالص باشد از نوع علاقه‌ی الهی است، علاقه‌ی پدر و مادر به فرزند خودشان از نوع علاقه‌های مذهبی و خالص بود. از فرزندان دیگرِ حضرت اطلاع

کمی داریم، البتّه نوشتند، جمعاً پیغمبر سه دختر داشتند که آخری فاطمه بود ولی در دوران قبل از نبوّت فقط دو دختر داشتند، خودِ پیغمبر هم آن علاقه‌ای که به فاطمه داشت به آنها نداشت، نه اینکه به آنها بی‌مهر بود، نه! به آنها مهر خالصِ پدر به فرزند داشت ولی به فاطمه، مهر خالصِ پدر به خداوند بود یعنی جرقّه‌ای از مرحمت الهی در فاطمه بود. در این مدّت که حضرت دو فرزند داشتند، خیلی از اعراب اذیّت می‌کردند. بعضی‌ها روی دشمنی بعضی‌ها نه، روی دشمنی نبود که محمّد جانشین ندارد؟! دینش از بین خواهد رفت. در مقابلِ همین‌ها آن سوره‌ی کوثر آمد که فرمود: دشمنان تو بلاعقبند. ابتر یعنی بلاعقب، یک چیزی که دنباله ندارد، همه به پیغمبر این حرف را می‌زدند. پیغمبر آنوقت شاید هنوز مأمور نبود که علی را رسماً اعلام کند. به‌هرجهت بعد از مدّتی پیغمبر صریحاً اعلام کرد که علی جانشین من است ولی مردم عامه باور نمی‌کردند، می‌گفتند نه، پیغمبر بلاعقب است. به‌همین‌جهت چون فاطمه مورد علاقه‌ی خاصّ پدر بود و تقریباً به‌منزله‌ی پسر بزرگ پیغمبر تلقّی می‌شد و احترامات و محبّت خاصّ پیغمبر به او موجب می‌شد که در زمان زندگی حضرتِ پیغمبر، فاطمه خیلی مورد توجّهِ مؤمنین بود. مورد توجّه «مؤمنین» می‌گوییم نه «مسلمین». مسلمین هم احترامات زیادی نسبت به فاطمه داشتند ولی مؤمنین می‌فهمیدند که این محبّت در اثر ایمان است، ایمانی است که فاطمه دارد.

در شعب ابی‌طالب، یک مدّتی به‌قولی اینها مسلمین را بایکوت کردند، هنوز هجرت نکرده بودند و نمی‌گذاشتند که اینها چیزی بخرند یا بفروشند. یک وقتی که یکی خبر می‌شد که مثلاً یک قافله‌ای از شام آمده و می‌خواهد یک مقداری خرما بفروشد سحر، زود می‌رفتند سر راه و مسلمین همانجا از آنها می‌خریدند برای اینکه اگر به شهر می‌رسید، شهر جلوی آنها را می‌گرفتند، نمی‌گذاشت اینها بخرند. در چنین فاصله و زمانی که حتّی خواروبار کم داشتند، فاطمه به دنیا آمد. حضرت خدیجه، مادر فاطمه تمام زندگی خودش را وقف پیغمبر و اسلام کرد، بطوری که آن ثروت فراوانی که داشت همه را در مقابل این بایکوت خرج کرد که مردم راحت باشند. یک چنین کسی که این همه با ناز و محبّت بزرگ شده، بعد از پیغمبر حکومتی که ایجاد شد، طبق حکومت عرب‌ها بود، رسوم عربی. نسبت به فاطمه زیاد اهمّیتی نمی‌دادند در مقابل، نسبت به عایشه که دختر ابوبکر و زن پیغمبر بود احترام زیادی قائل می‌شدند، حتّی در کتب احادیث دو هزار حدیث از عایشه نقل شده یعنی خانم‌ها که سؤالی داشتند، به عایشه می‌گفتند و عایشه از پیغمبر می‌پرسید. البتّه یک مسائل زنانه بود که حضرت فاطمه (دختر ایشان) صحیح نبود، نمی‌خواست و نمی‌توانست از پدرش بپرسد،

مؤمنین ناچار به عایشه رجوع می‌کردند. عایشه هم این کار را انجام می‌داد. در این ضمن اخبار دروغ هم فراوان هست، همانطور که از ائمّه‌ی ما، از پیغمبر هم اخباری هست که به دروغ ضبط شده است.

فاطمه یا هفتاد و پنج روز یا نود و پنج روز بعد از رحلت پیغمبر، رحلت فرمود. خودِ رحلت پیغمبر هم حالا تقریباً مسلمین متقاعد شدند که این روزی را که هست، بگیرند ولی در تاریخش اختلاف است. این است که در تاریخ وفات پیغمبر اختلاف است، در اینکه چند روز بعد از پیغمبر، فاطمه رحلت فرمود، آن هم اختلاف است. به‌همین‌جهت برای فاطمه چندین قول هست، البتّه ما نه تنها آن چند روز را بلکه تمام عمر را در عزای فاطمه هستیم و گو اینکه عزا نباید نگه‌داریم، باید شادی نگه‌داریم ولی چون با وفات حضرت فاطمه علیهاالسلام اوضاع نسبت به مسلمین متفاوت شد، در خیلی جاها مسلمین را آزار می‌کردند، به این جهت ما عزای فاطمه را هم یعنی رحلت فاطمه را هم می‌گیریم ولی عمده این است که باید تولّد حضرت فاطمه را بگیریم چون این تولّد مقتضی حرکت است، مقتضی شادی است، شادی هم تحرّک می‌خواهد و چه بسا خیلی از اشخاص از همان اوّل بودند که نمی‌خواستند مسلمین تحرّک داشته باشند. شادی خودش تحرّک است این‌طرف برو، آن‌طرف برو ولی نمی‌خواستند که پیروان راستینِ محمّد حرکت داشته باشند.

حالا به‌هرجهت ما، هم این را تبریک می‌گوییم، هم آن را عزا می‌گیریم. ان‌شاءالله ما را از دوستان خالص و صمیمی فاطمه قرار بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۱)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.